

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال شانزدهم
شماره ۱۹۱ بهمن ماه ۱۳۹۴ - فوریه ۲۰۱۶

قلب "حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای" را درآوردند

در روز شنبه ۲۶ دی ماه ۹۴ مذاکرات نمایندگان ایران از موضع تسلیم و ضعف قهرمانانه با کشورهای ۵ + ۱ در وین به نتیجه رسید و "قرارداد لوزانچای" اجرائی شد. برای رفع تحریمها و محاصره اقتصادی ایران که از همان بدو امر غیر قانونی، ضد انقلابی، ضد بشری و نادرست بود، عده ای ساده لوح جشن گرفته و پای کوبی می کنند. عده ای خوشخیال نیز بر این توهم اند که گویا از این به بعد در جوی های ایران شیر و عسل جاری خواهد شد. ببینید چقدر این رژیم سرکوبگر و فاسد به مردم ایران ستم روا داشته که عده ای تسلیم شدن به خفت بیگانه را پیروزی ایران تلقی می کنند و در حسن روحانی "اصلاح طلب"، ناجی ایران را جستجو می کنند. غنی سازی اورانیوم حق مسلم مردم ایران بوده و در تمام پیمانهای جهانی و پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای نیز درج شده است، اینکه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی، با قدری به ایران تحمیل کرده اند، که اعتبار و اجرائی کردن این حق، تنها به اشاره "اربابان جهان" عملی است، و این ما هستیم که حد و حدود آنرا برای شما و سایرین تعیین می کنیم، خود گویای انصراف ایران از برخورداری از این حق و تأیید نظریات امپریالیستها در مورد بی حقوقی مردم ایران است. ایران زین پس هیچ حقی ندارد - حتی اگر این حقوق در پیمانهای جهان سیاه روی سفید حک شده باشد - مگر اینکه به تأیید امپریالیسم ... ادامه در صفحه ۲

پیرامون قطع روابطه عربستان سعودی و ایران ماهیت بحران منطقه جنگ شیعه و سنی نیست، تلاش امپریالیسم برای گسترش مناطق نفوذش است

دولت وهابیست عربستان سعودی دولتی عمیقاً عقب مانده و ارتجاعی، همدست صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه است. حکام دست نشانده عربستان سعودی با پذیرش این خفت که نفتشان را در بازار جهانی فقط به دلار بفروشند، باعث شده تا همه ممالک دنیا مجبور شوند برای خرید مواد سوخت فسیلی خویش به تهیه دلارهای بی ارزش آمریکائی بپردازند که مقدار انبوه در گردش آنرا "فدرال رزرو" آمریکا بدون دخالت رسمی دولت آمریکا تعیین می کند. ارزش دلار آمریکا از جمله به نفت عربستان سعودی وابسته است. عربستان سعودی بعد از سرنگونی رژیم محمد رضا شاه که ژاندارم منطقه بود به مقابله با انقلاب ایران پرداخت، زیرا هراس داشت تأثیرات گرمای این انقلاب همه منطقه و از جمله عربستان سعودی را فرا بگیرد. تحریک صدام حسین و یاری به وی برای حمله به ایران از جمله ی این قبیل اقدامات بود. رژیم جمهوری اسلامی نیز از همان روز نخست منکر پرده داری خانه کعبه توسط آل سعود شد و مردم را به سرنگونی این رژیم وهابیستی فراخواند که این موضعگیری در عرف دیپلماسی از زبان مقامات رسمی اقدامی تحریک آمیز محسوب می شد. این کار شبیه همان اقدامات دسیسه چینانه ای است که امروز عربستان سعودی، ترکیه و ناتو بر ضد دولت قانونی سوریه می کنند.

عربستان سعودی و قطر بطور عمده منابع تغذیه مالی همه نیروهای تروریستی و عقب مانده اسلامی در آسیا و آفریقا هستند. رژیمهای ارتجاعی منطقه توسط این رژیم، با رضایت خاطر امپریالیسم ناتو، مورد حمایت قرار می گیرند. عربستان سعودی یار و یاور القاعده، طالبان، داعش، بوکو حرام و سایر جریانهای ارتجاعی و تروریستی در جهان است. این نطفه فساد در منطقه در تمام بمب گذاری ها و آدمکشی ها در پاکستان، عراق، افغانستان، سوریه، لیبی و... مستقیماً دست دارد و این امر امروز مورد تأیید همه آگاهان سیاسی بوده و آنها دیگر... ادامه در صفحه ۳

جنايات پان تركيسته‌های تركيه بر ضد خلق كرد در تركيه و همدستی ناسیونال شونیسته‌های كُرد با آنها

ایجاد دولت پان ترکیستی، پان اسلامیستی اردوغان که در پی عثمانی بزرگ در منطقه است، هرگز خواهان به رسمیت شناختن حقوق خلق کرد نبوده و نیست. ریاکاری وی در برخورد به "حزب دموکراتیک خلق ها" در ترکیه، دسیسه های وی در بی اعتبار کردن این حزب مترقی و سرانجام روش جنایتکارانه و تروریستی وی در برخورد به کردها و نیروهای مترقی ترکیه و در نسل کشی کردهای ترکیه با تهاجم وحشیانه به مناطق کرد نشین ترکیه به: جزئی، سلوپی، نصیبین، کربوران و منطقه سور در دیار بکر با تمام قدرت نظامی و امنیتی خویش، حاکی از سیاست راهبردی و ریاکارانه وی در برخورد به حل مسئله ملی در ترکیه است. نسل کشی کردها و مستحیل کردن آنها در ترکها از سیاستهای سنتی پان ترکیسم در منطقه است. آنها همین کار را با ارمنه و با یونانی ها و اعراب نمودند. روش دولت پان ترکیست-پان اسلامیست ترکیه ادامه همان سیاست قتل عام کردهای کوبانه در سوریه به دست داعش و مسلح کردن و بسیج ترکمنهای سوریه بر ضد نیروهای انقلابی و مقاوم کرد در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم بود و هست. آنها با بسیج گرگهای خاکستری که شعبی نیز در ایران دارند به کشتار ترکهای انقلابی و مترقی نیز مشغولند و بسیاری از رفقای حزب برادر ما را با بمب گذاری برنامه ریزی شده دولتی به قتل رساندند. همین نمونه نشان می دهد پیروزی مبارزات خلق کرد تنها در گرو همکاری و مبارزه مشترک خلقها و نیروهای انقلابی ... ادامه در صفحه ۵

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

قلب "حق مسلم..."

آمریکا برسد. اینکه تازه بعد از ده سال فعالیت، محاصره اقتصادی و خسارت مالی چند میلیارد دلاری، تأیید شود که ما فقط حق داریم بر اساس نظریات امپریالیسم آمریکا و با آهنگ تلاطمات مزاج وی، از این حق استفاده کنیم، مفهوم دیگری جز بی حقی و بی قانونی و تسلیم خفت بار نیست. فرجام "برجام"، سجده ایران در مقابل زورگویی امپریالیسم بوده است و نه انطور که دولتمردان دروغگوی ایران جلوه می دهند: "پیروزی تاریخی مردم ایران."

آقای روحانی در تجلیل از این توافقتنامه می گوید: "امروز به نقطه عطفی دست یافتیم... از امروز دیگر برنامه هسته‌ای ایران با بهانه‌های واهی به عنوان تهدید صلح جهانی و منطقه‌ای نیست، بلکه برنامه هسته‌ای ایران برای فناوری نوین در مسیر توسعه کشور، ثبات و امنیت منطقه خواهد بود... به جای آنکه تا امروز از لحاظ حقوقی، جمهوری اسلامی تحت فشارهای شش قطعه‌نامه شورای امنیت سازمان ملل و ۱۲ قطعه‌نامه شورای حکام آژانس اتمی باشد، امروز در برابر قطعه‌نامه‌ای است که این امنیت سازمان ملل در برابر جهانیان قرار داده است." این گفته‌ها ولی با صحنه‌های رژیوم جمهوری اسلامی به ادعاهای امپریالیسم و رقصیدن به ساز آنها مغایرت دارد.

بر اساس گزارش سازمان انرژی هسته‌ای در وین، دولت جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران تمام شرایط تحمیلی به خود را در مدت تعیین شده با کمال ادب و حرف شنوی انجام داده تا دیگر تهدیدی برای صلح جهانی و تشنج در منطقه نباشد. دامنه خیانت رژیوم سرمایه داری جمهوری اسلامی در تحقق پیمان استعماری لوزانچای غیر قابل وصف است. بلندگوهای تبلیغاتی از پیروزی بزرگ دیپلماسی و رفع همه تحریمها سخن به میان می آورند و هر کس این پیروزی "تاریخی" را به نام خود ثبت می کند. ولی آیا این ادعاها درست است و یا سراپا دروغ و برای فریب مردم است؟

خانم "فدریکا موگرینی (Federica Mogherini) مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا اظهار داشت: "از آنجا که ایران همه تعهداتش را اجراء کرده است، از امروز تحریمات ملی و چندجانبه اقتصادی و مالی در رابطه با برنامه اتمی ایران برداشته می شود." (تکیه از توفان).

کسانی که سیاست تحریمهای امپریالیستها را دنبال کرده اند می دانند که این تحریمات شامل سه مرحله است. نخست تحریمات غیر قانونی شورای امنیت سازمان ملل متحد با یاری روسیه و چین که تنها به مسئله حق طبیعی و مسلم ایران برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای بر می گردد، دوم تحریمات زورگویانه و غیر قانونی کنگره آمریکا در مورد ایران که آنرا به همه جهان با شانتاژ و قلدری تحمیل می کند و ربطی به سازمان ملل ندارد، سوم تحریمات غیر قانونی و استعماری اتحادیه اروپا که "نه سر پیاز بوده و نه ته پیاز است" و می خواهد نقش سازمان ملل متحد را در جهان بازی کند و به همدستی و رقابت با امپریالیسم آمریکا بپردازد. خانم "موگرینی" در سخنان خود روشن کرد که فقط آن تحریمهایی برداشته می شود که مربوط به برنامه هسته‌ای

ایران بوده است. سایر تحریمات به قوت خود باقی است و در آن تغییری به وجود نیامده است. اینکه مسئولان ایرانی از جمله آقای روحانی رئیس جمهور از لغو تحریمها سخن می راند به روشنی برای فریب مردم و پرده پوشی خیانت رژیم حاکم، دروغ می گوید.

رژیم جمهوری اسلامی ادعا می کند که توانسته است منافع ملی ایران را حفظ کند و تاسیسات اتمی فردو و آب سنگین اراک را نجات دهد.

به نقل از منابع خبری ایران از قول وزیر امور خارجه آقای ظریف می آید: "تاریخ ساز شدید / کلیه تحریمها علیه ایران پایان خواهد یافت/ مدت توافق ۱۰ سال است/ راکتور اراک آب سنگین باقی می ماند/ توافق به معنی عادی سازی روابط با آمریکا خواهد بود" و ادامه می دهد "راکتور اراک، آب سنگین باقی می ماند و با توجه به آخرین پیشرفت‌های فناوری بازطراحی خواهیم کرد و در این روند کشورهای مختلف از اعضای ۵+۱ خارج از آنها همراه با ما حضور خواهند داشت و در پیشرفت فناوری کشورمان کمک خواهند کرد."

آقای ظریف با ظرافت فراموش می کند اشاره کند نیروگاه اراک بدون آب سنگین باقی می ماند و سایر تاسیسات دیگر ارزشی برای پژوهشگری در این زمینه ندارد. وی فراموش می کند اشاره کند که به قول او با ما اراک **قلب تاسیسات هسته‌ای ایران را درآورده**

اند. او با ما در سخنرانی خویش بعد از این توافق اعلام کرد: "قبل از توافق هسته‌ای ایران نزدیک بود راکتور جدیدی را تکمیل کند که می توانست پولوتونیوم برای یک بمب تولید کند. **امروز قلب این راکتور بیرون آورده شده**

و با سیمان پر شده است تا دیگر قابل استفاده نیاشد (تاکید از توفان). در این عرصه خوب است به سخنان او با ما توجه کنیم وی در سخنرانی خویش بر ملا کرد: "بیش از یک دهه بود ایران برنامه هسته‌ای خود را پیش برده بود و پیش از توافقتنامه، ایران حدود بیست هزار سانتریفوژ نصب کرده بود که می تواند اورانیوم را برای تولید بمب اتمی غنی سازی کند. **امروز ایران دو سوم از این دستگاهها را برچیده است.**

...قبل از این توافقتنامه به طور مرتب ذخیره اورانیوم غنی سازی شده خود را افزایش می داد که برای ساخت تا ده عدد بمب اتمی کافی بود. **امروز بیش از نود و هشت درصد از این ذخیره اورانیوم غنی شده به خارج از ایران منتقل شده است**، این بدان معناست که ایران دیگر ماده کافی برای حتی یک بمب را هم ندارد.

...قبل از توافقتنامه جهان شفافیت و دید کافی درباره برنامه هسته‌ای ایران نداشت، امروز بازرسان بین المللی در داخل ایران حضور دارند و **ایران هدف شدیدترین و جامع ترین رژیم بازرسیهایی است که تا کنون برای بازرسی از برنامه هسته‌ای درباره آنها مذاکره شده است.**

...بازرسان تاسیسات کلیدی هسته‌ای ایران را بیست و چهار ساعته و سی و شصت و پنج روز سال زیر نظر دارند. برای دهه های آینده بازرسان به کل زنجیره تدارکاتی هسته‌ای ایران دسترسی خواهند داشت. به عبارت دیگر اگر ایران بخواهد فریبکاری کند و بخواهد مخفیانه بمب اتمی بسازد، ما مچ آنها را خواهیم

گرفت. در حالی که ایران قبلاً مرتب برنامه هسته‌ای خود را پیشرفت می داد، ما اکنون همه راههایی را که ایران می توانست سلاح اتمی بسازد، بسته ایم. ... اکنون که **جهان دسترسی بی سابقه‌ای به برنامه هسته‌ای ایران دارد**، هر زمان که ایران بخواهد گریز هسته‌ای انجام دهد، ما متوجه خواهیم شد.

...اکنون که اقدامات ایران راستی آزمایی شده است، می تواند از **برخی تحریمهای هسته‌ای** رهایی پیدا کند و **به پول خودش که مسدود بوده**، دسترسی داشته باشد.

او با ما به صراحت "نرمشهای قهرمانانه" جمهوری اسلامی را در میدان دادن به ایادی و جاسوسان امپریالیسم در ایران رو می کند و برای اینکه توهمی ایجاد نشود از برنامه گسترده و **بی سابقه جاسوسی در ایران** با موافقت دولت ایران سخن می راند و در مقابل حاضر است از **"برخی تحریمهای هسته‌ای"** و نه تمام آن منصرف شود. او با ما به **مقدار پول** مسدود ایران کوچکترین اشاره ای نمی کند، زیرا هدفش بالا کشیدن این پول است و رژیم جمهوری اسلامی نیز با این پنهانکاری کاملاً موافق است. او با ما در سخنرانی خود آب پاکی به روی دستهای رژیم جمهوری اسلامی می ریزد و می افزاید: "آمریکا و ایران اکنون یک پرونده قدیمی اختلاف مالی مربوط به ادعای ایران بر ضد دولت آمریکا را حل و فصل کردند. بر اساس این راه حل پولهای ایران از جمله سود متناسب آن به این کشور بازگردانده خواهد شد **با این حال این رقم بسیار کمتر از مبلغی است که ایران پیش از این تلاش داشت دریافت کند.**"

آقای او با ما برای اینکه مبدا توهمی پیش بیاید که وی در مقابل ایران عقب نشینی کرده است می گوید: "بر اساس توافقتنامه هسته‌ای که سال گذشته ما و متحدانمان و شرکایمان با ایران دست یافتیم، ایران به بمب اتمی دست پیدا خواهد کرد. **منطقه، آمریکا و جهان امن تر خواهد بود.** همانطور که بارها گفته ام، **این توافقتنامه هسته‌ای هرگز هدفش این نبوده است که همه اختلافات ما را با ایران حل کند.**" وی ادامه داد: " ... **می دانیم که همچنان اختلافات زیادی میان ایران و آمریکا باقی مانده است.**

...ما همچنان در مخالفت و مقابله با ایران، در رفتارهای بی ثبات کننده این کشور در زمینه های دیگر از جمله تهدید های ایران بر ضد اسرائیل و شرکای ما در حاشیه خلیج (فارس) و حمایت ایران از گروههای خشن در کشورهای نظیر سوریه و یمن بسیار سرسخت هستیم.

...ما همچنان تحریم هایی بر ضد ایران به علت نقض حقوق بشر، به خاطر حمایت از تروریسم و به خاطر برنامه موشکهای بالستیک این کشور داریم و به اجرای شدید این تحریم ها ادامه خواهیم داد. به طور مثال آزمایش اخیر موشکی ایران نقض وظایف بین المللی این کشور بود و در نتیجه آمریکا **درحال اعمال تحریم هایی بر ضد افراد و شرکت های فعال در پیشبرد برنامه موشکهای بالستیک ایران است** و در این باره همچنان هوشیار خواهد بود و در دفاع از امنیت خود و متحدان و شرکای خود هیچ تزلزلی نخواهیم کرد." (تاکید در همه جا از توفان)... **ادامه در صفحه ۳**

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

قلب "حق مسلم..."

البته کار به اینجا خاتمه نمی یابد همین لغو ناقص تحریمها هنوز پا در هراست. این درست است که ایران می تواند نفت خود را به بهای نازل به فروش برساند، ولی از آنجا که مبادلات تجاری ایران هنوز در نظام مالی سوئیفت مجددا ادغام نشده است و این نظام زیر سلطه امریکاست، معلوم نیست ایران بتواند بهای فروش نفت را از طریق مبادلات مالی جهانی دریافت کند. پس فقط امکان تجارت پایا برای ایران می ماند. همین اهرم ساده فشار بر ایران مانع از آن خواهد شد که ایران پولهای مسدود خود را که بخش مهم آن از طرف آمریکا بالا کشیده می شود، دریافت نماید و با آن به خرید صنایع مورد نیاز خود بپردازد. از آنجا که همه تحریمها برداشته نشده و ایران هنوز مورد تهدید امپریالیسم امریکاست، این امپریالیسم قادر است با تحریمهای اختراعی مجدد و ادعاهای واهی و غیر قانونی از ورود و یا مبادلات تجاری بسیاری کالاها و یا تجارت ایران با جهان جلوگیری کند. همین اقدامات آمریکا که نام بسیاری شرکتها و افراد حقیقی و حقوقی در ایران را در روی فهرست اسامی تروریستها قرار داده و تجارت با آنها را ممنوع کرده است، مانع از آن است که شرکتها و مؤسسات با ایرانیان وارد تجارت و مناسبات اقتصادی عادی شوند، زیرا این خطر برای آنها وجود دارد که در آمریکا تحت تعقیب قضائی قرار گرفته و خود شامل تحریمات امریکائی شوند. امپریالیسم آمریکا محیطی از تشنج، فقدان امنیت، سوء ظن به دور ایران ایجاد کرده است که به راحتی هیچ معامله ای با ایران سر نمی گیرد. از این گذشته نمایندگان کنگره آمریکا که در اکثریت خویش جمهوریخواه و زیر نفوذ لابی های صهیونیسم بین الملل هستند، اعلام کرده اند همین توافقات جزئی به نفع آمریکا را نیز به رسمیت نمی شناسند و چنانچه بر سر کار آیند همه این توافقات را بدور می اندازند. این سیاست ریاکارانه فقط برای ایجاد ترلز، نابودی زمینه امنیت سرمایه گذاری و ایجاد بلاتکلیفی در سرمایه گذاران غیر امریکائی در ایران است.

"مارک کرک"، سناتور جمهوری خواه ایالت ایلینویز، "جو مانچین"، سناتور دمکرات ایالت ویرجینیا و سه سناتور دیگر در بیانیه ای اعلام کرده اند به مؤسسات مالی در سراسر جهان هشدار داده شده که از تبدیل ارزهای خارجی به نیابت از بانک های ایرانی قرار گرفته در لیست سیاه خودداری کنند و با "با خطر قطع ارتباط با بازار مالی ایالات متحده روبه رو شوند".

تمام قرار داد لوزانچای از جانب ایران با "نرمش قهرمانانه" اجراء شده و به نابودی فناوری هسته ای در ایران منجر شده است، ولی اجرای تعهدات آمریکا پا در هراست. کنگره بعدی در آمریکا و یا ریاست جمهور جدیدی در سال ۲۰۱۷ می تواند بدون توجه به تاثیر بی اعتباری و حیثیت تصمیمات مسنولان قبلی آمریکا، همه چیز را زیر پا بگذارد و به تعهداتش با دروغگوئی و تبلیغات پای بند نگردد. آمریکا می تواند به طور خودکار تحریمهای خویش را بر ضد ایران مجددا فعال کند و از صورت منجمد در آورد. در حالیکه

این توافقات چقدر شکستنی و باسسه ای است، آرزوها و رویاهای خود را به زبان آورد و گفت: "با رفع تحریمها، عدم قطعیتهای خارجی اقتصاد ایران و هزینه های ناشی از آن کاهش می یابد. منابع ارزی کشور به جهت رفع محدودیت صادرات نفت و آزادی منابع مسدود شده افزایش می یابد، از هزینه های مبادلات مالی و تجاری خارجی کاسته می شود و امکان استفاده از خدمات نظام بانکی بین المللی، بهره مندی از منابع مالی خارجی، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، دسترسی به فناوری های نوین و توسعه صادرات غیر نفتی فراهم می شود... ما طی این مذاکرات توانستیم قدرت های بزرگ را وادار کنیم تا حقوق هسته ای ما را به رسمیت بشناسند. پروژه ایرانهراسی را با شکست مواجه کنیم، چهره مخدوشی که از ما در جهان ایجاد کرده بودند را بازسازی کنیم و نشان دهیم که دولت و مردم ایران منطقی، صلح دوست و در دفاع از حقوق خود مقتدر خواهند بود."

رژیمی که به مردمش دروغ می گوید و هنوز عواقب این تسلیم طلبی خویش را می پوشاند و مجلس فرمایشی اش جرات ندارد زبان به اظهار نظر بگشاید، رژیمی که از مردمش چنین می ترسد، ناچار است روزانه بیشتر به آغوش امپریالیستها رفته منافع ملی ایران را بر باد دهد. امپریالیستهای مارخورده افعی شده که ناظر بر این دروغگوئی ها هستند، دلایل آنرا بهتر از خود رژیم دانسته و درک می کنند که آنها در استیصال خویش غوطه ورنند و مانند کرکسها برای تجاوز به حریم سیاسی، اقتصادی ایران کمین گرفته اند. این موضعگیری های آمریکا نشان می دهد که آنها از اهداف خود در خاورمیانه و تصمیماتشان در مورد ایران باز ناپستاده اند.

ماهیت بحران منطقه...

نمی توانند آنرا کتمان کنند. عربستان سعودی سران کشورها را با پول می خرد، به آنها رشوه می دهد. در امور داخلی یمن دخالت کرده و در آنجا ارتشش را پیاده نموده است و به قتل عام مردم یمن دست می زند و کسی در جهان خودی ها، زبان به اعتراض نمی گشاید. به دولت سودان پول داده تا ارتشش را بر ضد مردم یمن اعزام کند. برای سرکوب مردم بحرین تانکهای خویش را به این کشور گسیل داشته است و اعتراضات مردم را سرکوب کرده و می کند. بعد از توافقات هسته ای ایران با آمریکا که مورد موافقت اسرائیل و عربستان سعودی نبود، این کشور عنان اختیار سیاست خارجی خویش را از دست داده و با روشهای هیستریک و عصبی در منطقه به گرد و خاک و اقدامات نسنجیده و ماجراجویانه متوسل شده است. اقداماتی که عواقب بسیار وخیمی برای منطقه و رژیم آل سعود خواهد داشت. سیاست کاهش بهای نفت که به عنوان وسیله ای در دست حکام این کشور بود تا مخالفان از جمله ایران، روسیه، ونزوئلا و... در تحت فشار اقتصادی قرار دهد، حال گریبان خود این کشور را با توجه به ولخرجیهایش... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

ماهیت بحران منطقه..

در حمایت از تروریسم جهانی گرفته و برایش مشکلات اقتصادی ایجاد کرده است. تشنه‌های رژیم آل سعود تشنه‌های مرگ است و از رشد و شدت تضادهای درونی و بیرونی این رژیم حکایت می‌کند. حتی امپریالیستهای اروپایی نیز که صابون این ماجراجویی‌ها با هجوم پناهندگان به اروپا به تنشان خورده است حاضر نیستند زبان انتقاد خویش را نسبت به آنها ببندند. رژیم عربستان سعودی بزرگترین حامی داعش در سوریه و دوست و یاور اردوغان در ترکیه است. هر دو این کشورها ایران را دشمن خویش می‌دانند و برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خویش در منطقه از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. ریاکاری و دروغگویی از سرپای این دو رژیم می‌بارد یکی به قتل عام کردهای انقلابی ترکیه مشغول است و شهرهای کرد نشین را با خاک یکسان می‌کند و دیگری همزمان و با هماهنگی شمشیر شیعه‌گشی از استین بدر آورده و به جنگ شیعه و سنی دامن می‌زند. البته این سیاست ایجاد نفرت در میان سنی‌ها بر ضد شیعیان که یک تاکتیک مودبانه و برای رد گم کردن است در میان توده مردم سنی مذهب موثر نبوده است. در این کارزار تبلیغاتی شیعه‌گشی، تنها پاره‌ای حکومت‌های سنی، آنهم بیشتر به علت چشم داشت به کمک‌های مالی عربستان سعودی شریک اند. مردم این کشورها در این برادر کشی شرکت نمی‌کنند.

به یک نکته باید توجه داشت و آن اینکه ماهیت نزاعی که در منطقه در گرفته است مبارزه با قطع نفوذ امپریالیسم آمریکا و امپریالیستهای سنتی در منطقه است. این مبارزه مبارزه خلقهای منطقه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم می‌باشد. عربستان سعودی و امارات متحده عربی، قطر، کویت و ممالک نظیر، مورد نفرت خلقهای عرب هستند و عمر آنها به شمارش افتاده است. تحریکات و تبلیغات ضد شیعه که راه انداخته اند، سیاست منحرف کردن مبارزه خلقهای منطقه است. شکست سیاست عربستان سعودی و ترکیه در سوریه که نقطه عطف آن شرکت نیروی هوایی روسیه در مبارزه با تروریسم بود و مالا تضعیف سازمانهای تروریستی از جمله داعش را بدنبال داشت، تمام سیاست راهبردی محور ترکیه-عربستان سعودی-قطر را برهم زده است و دسیسه هماهنگی دائمی اتحادیه عرب را در آینده به گور سپرده است. عربستان سعودی و ترکیه با شکست سیاستهای ماجراجویانه و ارتجاعی خویش در پی برهم زدن توافقات در منطقه و ادامه یاری به نیروهای تروریستی و شاید حتی دخالت نظامی در سوریه و اشغال بخشی از سرزمین این کشور به عنوان "سوریه آزاد" هستند. شیعه‌گشی عربستان سعودی بازتاب این شکست و تشنجی ناشی از ضعف است.

کمونیستها و همه آزادیخواهان و دموکراتها باید از برادری میان خلقهای منطقه و پویژه خلق‌های ایران و ترک و عرب در منطقه به دفاع برخیزند و همبستگی مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خویش را تقویت کنند و مانع شوند که به بهانه جنگ شیعه و سنی مسیر مبارزه آنها منحرف گردد. هم امپریالیسم و هم صهیونیسم به این تبلیغات و دروغها دامن می‌زنند تا یک جنگ خانگی و نسل‌گشی در منطقه ایجاد کنند. در میان اپوزیسیون خود فروخته ایرانی نیز شما با تحریکات ضد عرب و ترک و حتی ضد فارس

نیست. به همین جهت نیز آنها با شعار "نه غزه، نه سوریه، نه لبنان، بعدش نوبت ایران" به میدان آمدند و به تدریج همین سیاست را به کار گرفته و می‌گیرند و به پیش می‌برند.

حزب ما سرکوب هر اقلیت ملی، مذهبی و... را در هر دو کشور محکوم کرده و خواهان تحقق حقوق دموکراتیک مردم هر دو کشور می‌باشد. حزب ما تجاوز به بحرین و قتل عام مردم یمن توسط عربستان سعودی را قویا محکوم می‌کند. حزب ما حمایت از داعش و دخالت بی‌شرمانه ترکیه، عربستان سعودی و ناتو را در امور داخلی سوریه و قتل عام این مردم را محکوم می‌کند و بهانه نقض حقوق بشر در سوریه را تا از آن وسیله‌ای برای نقض حقوق ملل بسازند ریاکارانه ارزیابی می‌کند. سرنوشت مردم سوریه باید بدست خود مردم سوریه تعیین شود و این امر در یک انتخابات آزاد با حق شرکت بشار اسد دولت قانونی و مشروع سوریه امکان پذیر است. هر حیلۀ دیگری به بهانه مستبد بودن بشار اسد، نقض حقوق بشر در سوریه به معنی همدستی با داعش و عربستان سعودی، پان ترکیسم عثمانی، صهیونیسم و امپریالیسم است.

نکته دیگر در مورد سخنرانی ولی فقیه در ایران است. وی به جای تکیه بر برادری سنیان و شیعیان در جهان اسلام و تکیه بر برادری و همسرنوشتی مشترک آنها بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم و افشاء سیاستها خرابکارانه و دشمنانه عربستان سعودی با خواستههای مترقی خلق عرب، بی‌توجه به تحلیل از حرکت عربستان سعودی که از موضع ضعف انجام می‌شود، با همان ورقی به بازی آمده است که آل سعود با آن بازی می‌کند. تهدید عربستان سعودی که باید از "انتقام خدا" بترسد، تنها به معنی اقدامات تلافی جویانه و تروریستی بعدی از جانب ایران است که به این دور شیطانی. انحرافی در مبارزه امکان بقاء می‌دهد. عربستان سعودی که در این زمینه از امکانات مالی و تبلیغاتی و همدستی صهیونیسم و امپریالیسم برخوردار است مسلما دست بالا را خواهد داشت. این سیاست رژیم جمهوری اسلامی عملا در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه و به ضرر دوستی خلقهای منطقه تمام می‌شود و به انفراد ایران منجر خواهد شد. امپریالیسم، صهیونیسم، پان ترکیسم و هابیسیم عربستان هجوم گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کرده اند و خنثی کردن این هجوم تنها با تکیه به مردم ایران با به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های طبیعی آنها و ایجاد یک جبهه وسیع همبستگی جهانی ممکن است وگرنه درجه مقاومت کشور ایران بی‌نهایت نیست و صدمه جبران ناپذیری بیند. آنهم در شرایطی که ما شاهدیم فقط زور است که حرف اول را می‌زند و قدرتمندان هیچ حق و قانونی را در جهان به رسمیت نمی‌شناسند. اتخاذ سیاست عصبی، تهدید آمیز و تلافیجویانه همان خواستی است که دشمنان ایران به دنبالش هستند.

باید از همبستگی همه مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و... مترقی و ضد امپریالیستی بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم صرفنظر از تعلقات ملی آنها حمایت کرد و مانع شد که دین را وسیله اغفال و انحراف در مبارزه انقلابی و طبقاتی نمایند.

مبارزه ملی برای حق خود تعیینی سرنوشت در دوران امپریالیسم تنها می‌تواند جز لاینفک مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی باشد.

روبرو هستید. این ایجاد نفرت ملی بخشی از سیاست راهبردی صهیونیسم در منطقه است تا به ویژه ایران را بر ضد اعراب تحریک کرده و از آب گل آلود برای خود ماهی بگیرد. این ایران پرستان آریائی و ضد عرب همدستان اسرائیل در منطقه هستند. در کنار آنها بخشی دیگر از اپوزیسیون خود فروخته قرار دارند که مبارزه سیاسی و طبقاتی را به جنگ صلیبی و دینی بدل می‌کنند. دشمن تراشی با اسلام و ایجاد اسلام هراسی با الهام از تئوری‌های منصور حکمت صهیونیست، دقیقاً مکمل همین سیاست اسرائیل و عربستان سعودی و پان ترکیسم عثمانی بزرگ اردوغان است که "حزب کمونیست کارگری ایران" و همه مریدان منصور حکمت به آن دامن می‌زنند.

اما رژیم جمهوری اسلامی به ویژه در اوایل انقلاب با سخنان متناقض در مورد حقانیت شیعه نسبت به سنی و تلاش برای درج آن در قانون اساسی که پس گرفته شد به این نوع تبلیغات میدان داده است. این رژیم با نفوذ در عراق به جای ایجاد روحیه همبستگی میان مردم با ادیان گوناگون و خنثی کردن تبلیغات حامیان عربستان سعودی، و طرد حضور سربازان ممالک اشغالگر، خود با همان منطق صدام حسین که شیعیان را مورد تزییق قرار می‌داد، رفتار می‌کند. سیاست کاهش تحریک آمیز از نفوذ سنی‌ها در قدرت سیاسی حتی سنی‌هایی که مخالف صدام حسین بودند، میدان را برای تحریکات امپریالیستها باز می‌گذارد و ما را با فاجعه‌ای روبرو می‌سازد که امروز با آن روبرو هستیم. البته این یک واقعیت است که در ایران نه در زمان شاه و نه در زمان جمهوری اسلامی هیچکس را مورد تعقیب قرار نداده اند تا زمانی که به مخالفت آنها با سرپای رژیم خودشان مطمئن نبوده اند. در ایران کسی را به بهانه دارا بودن مذهب سنی، مسیحی، زرتشتی، و یا تعلقات ملی و قومی مورد پیگرد قرار نداده اند ولی هرکس را که بر ضد رژیم جمهوری اسلامی در هر سطحی مبارزه کرده است بیرحمانه مورد پیگرد و تعقیب قرار داده اند. اینطور نیست که در ایران مذهب، جنسیت و یا ملیت خاصی از همه حقوق دموکراتیک برخوردار بوده و دیگران فاقد آن هستند. بسیاری از جان باختگان مردم میهن ما سیاسیونی بوده اند که سنتا جز شیعیان به حساب می‌آمدند. در رژیم جمهوری اسلامی اساس حفظ سلطه این رژیم است و مخالفان و سرکوبها را بر این اساس محک می‌زنند.

همین تجربه تجاوز مزدوران خارجی به سوریه که اکثریت مردم و حزب بعث حاکم نیز سنی مذهب و یا حمایت از لبنان که حکومتش ترکیبی از ادیان و نیروهای سیاسی گوناگون است، چه از جانب ایران و چه از جانب عربستان سعودی نشان می‌دهد که نزاعی که در منطقه در گرفته است ماهیتا دعوی شیعه و سنی نیست. نه کشور عمان سنی مذهب و نه ممالک آسیای میانه سنی مذهب حاضر شده اند از عربستان سعودی پیروی کنند و نه سنی‌های ساکن ایران. حال آنکه آذربایجان شیعه مذهب در قفقاز همدست ترکیه و اسرائیل و عربستان سعودی است. ماهیت نزاع کنونی یک نزاع سیاسی برای سلطه جوئی امپریالیسم در منطقه است که به میدان بی‌رقیب و بدون درد سر نیاز دارد. حضور لبنان، سوریه و ایران با سیاستهایی که در عرصه خارجی دارند باب میل امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه

انقلاب کبیر اکتبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

جنایات پان ترکیستهای ..

منطقه برای آزادی منطقه از زیر سیطره امپریالیسم، صهیونیسم و بورژوازی مرتجع حاکم است.

اینکه اردوغان امروز به طور زبانی مجبور شده است از حقوق کردها سخن براند و یا تکلم به زبان مادری را به رسمیت بشناسد و کردها را "ترکهای کوهی" خطاب نکند، از یک سو محصول مبارزه خستگی ناپذیر خلق کرد در ترکیه به رهبری حزب "پ.کا.کا" و حمایت نیروهای مترقی ترکیه از آنهاست و از جانب دیگر نتیجه فشار بین المللی و به ویژه فشار اتحادیه اروپا به ترکیه است که یکی از شرایط پیوستن به اتحادیه اروپا را از جمله به رسمیت شناختن پاره ای از حقوق دموکراتیک کردها در ترکیه بیان کرده است. روشن است که اروپا مایل نیست بعد از پیوستن نامحتمل ترکیه به اروپا در گیر مسایل داخلی ترکیه شود.

دولت اردوغان که سیاست ناسیونال شوینسم ترک را در منطقه و از جمله در ایران توسط گرگهای خاکستری و عمال ایرانی اش و در قفقاز و آسیای میانه و در سوریه با تمام قوا پیش می برد، حاضر نیست حقوق مردم کرد را در ترکیه به رسمیت بشناسد. دولت ترکیه با تمام همسایگان خود سر جنگ داشته و ادعاهای ارضی دارد و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه را نیز به رسمیت نمی شناسد. بخشی از قبرس هنوز در اشغال پان ترکیستهای ترکیه است. چنین حکومتی که با همدستی عربستان سعودی، ناتو و قطر حاضر شده است در امور داخلی سوریه دخالت کرده و تروریسم بین الملل را برای مقاصد شوم خود در ترکیه میزبانی کند و میلیونها نفر را به قتل برساند و یا آواره کند، نمی تواند دوست خلق کرد باشد. مشکل پان ترکیستها فقط سرکوب ارامنه، علوی ها، کردها نیست، سرکوب اعراب و ضمیمه کردن کشور آنها به ترکیه نیز به اشتهای سیری ناپذیر آنها یاری می رساند. این است که مبارزه مردم کردستان ترکیه نمی تواند جدا از مبارزه نیروهای انقلابی و مترقی در منطقه برای به رسمیت شناختن حقوق ملتها و از جمله مردم سوریه که دارای حکومت قانونی بشار اسد هستند و این حکومت مورد تأیید آنهاست صورت پذیرد. نمی شود از حق ملت کرد در تعیین سرنوشت خود دفاع کرد، ولی مخالف حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین و یا سوریه بدون دخالت بیگانگان بود.

یکی از انحرافات اساسی حرکتهای ملی کرد در منطقه همدستی با ارتجاع منطقه است. بسیاری کردهای ارتجاعی در منطقه و از جمله در ایران، مبارزه ملی خلق کرد برای حق تعیین سرنوشت را نه در رابطه با مبارزات ملی و ضد استعماری و ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در دوران امپریالیسم و در متن مبارزه عمومی خلقهای کشورهای که ساکن آن هستند می دانند، بلکه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع منطقه را به نوبت متحدان خویش به حساب آورده و به این ترتیب هر بار قربانی دسیسه های ارتجاع منطقه بوده و اعتماد خلقهای منطقه را از خود سلب می کنند. ملا مصطفی بارزانی بر ضد خلقهای منطقه برای "آزادی خلق کرد" با صهیونیسم، با شاه ایران و امپریالیسم همکاری می کرد و سرنوشت غم انگیز وی که توسط ساواک شاه بی اعتبار شد در مقابل ماست. وی در زمانی که کمونیستهای عراق را سر می بریدند به وعده های رژیم عراق در رابطه با پذیرش حق تعیین سرنوشت خلق کرد تن

در داد و از مبارزه بر ضد حکومت کوردانی عراق دست برداشت و دست آنها را در کشتار کمونیستهای غیر کرد باز گذارد. کردستان عراق همواره به عنوان پایگاه مهم اسرائیل بر ضد خلقهای عرب در منطقه انجام وظیفه کرده و می کند. کردستان عراق در تجاوز جنایتکارانه جرج بوش و تونی بلر و متحدانش به کشور مستقل عراق با امپریالیسم جهانی با توهم کسب حقوق خلق کرد، همدستی کرد و سرکوب خلق عرب را جشن گرفت با این منطق غیر انسانی که کردها را به عرب ها چکار. آنها می خواستند و می خواهند فقط گلیم خود را جداگانه از آب بیرون بکشند، حتی اگر این اقدام کوتاه بینانه به بهای نابودی سایر خلقهای منطقه بدل شود. آقای بارزانی در کردستان عراق در همدستی با دولت ترکیه و اسرائیل و نیروهای ناتو راه پیروزی داعش را برای تهاجم به بغداد باز گذارد تا آنها بتوانند با تصاحب جاهای نفت و فروش نفت عراق از طریق ترکیه به اروپا از منابع مالی جداگانه ای به جز کمکهای مالی عربستان سعودی و قطر بهره مند شده و از این نمط کلاهی هم به ترکیه برسد. هم اکنون بارزانی نفت عراق را می دزدد و چون راه به دریا ندارد با بهای نازل به ترکیه می فروشد و برای خودش حساب جداگانه ای از مردم عراق گشوده است و راه بی سرانجامی را طی می کند که پایانی غم انگیز دارد. کردستان عراق که پایگاه کردهای ایرانی نیز است و به آنها امکانات فراوان می دهد و حق سکونتشان را تامین می کند، با ارتش ترکیه برای سرکوب مردم کرد در ترکیه همدستی می نماید. دولت ترکیه قبل از قتل عام مردم مناطق کردنشین در ترکیه، ارتش خویش را با توافق بارزانی وارد کردستان عراق کرد تا از همه طرف کردهای انقلابی ترکیه را مورد تهاجم و سرکوب قرار دهد. کردستان عراق که پایگاه ارتجاع در منطقه، همدستی امپریالیسم، صهیونیسم و داعش و پان ترکیستهاست به صورت غیر قانونی و بدون اجازه دولت مرکزی عراق به ارتش ترکیه اجازه داد که وارد خاک عراق شود و کوچکترین مقاومتی در مقابل این ارتش آدمکش که برای کشتار کردهای ترکیه نیز براه آمده بودند، دولت متجاوز ترکیه نیز برای توجیه این تجاوز از نظر حقوق بین الملل، به "اجازه منطقه خودمختار کردستان عراق" برای ورود به عراق اشاره می کرد که هرگز مورد نفی مسئولان کردستان خود مختار عراق قرار نگرفت. وقتی دولت مرکزی عراق به تجاوز ترکیه به تمامیت ارضی اش اعتراض کرد و تهدید نمود که با ارتش عراق به مقابله برخواد خاست، آقای داود اوغلو نخست وزیر ترکیه و وزیر سابق امور خارجه ترکیه با بی شرمی ابراز داشت: شما اگر زورتان می رسید داعش را بیرون می کردید!!؟؟ . فقط تهدید دولت عراق و ارائه مسئله به شورای امنیت سازمان ملل، منجر به آن شد که ترکیه خاک عراق را ترک کند.

در تمام این دوران کردهای ضد انقلابی کردستان عراق با دولت ترکیه همدستی می کردند با همان الهام از سیاست سنتی استفاده از همه امکانات لحظه ای و کوتاه بینانه و ناسیونال شوینیستی و ارتجاعی که به شکست مدام مبارزه مردم کرد منجر شده است. طبیعتاً اگر مردم منطقه، پیدایش کردستان را اسرائیل دوم در منطقه ببینند و کردها نیز به بهانه "حق تعیین سرنوشت" به همدستی با دشمنان مردم منطقه بپردازند و به پایگاه استعمار و تجاوز در منطقه بدل شوند، مورد بی اعتمادی همه خلقهای منطقه خواهند بود و تصور واهی خواهند داشت که

خلقهای منطقه و کردهای مترقی و انقلابی به چنین "حق ملتی" که ناقض حقوق همه خلقهای منطقه و در دشمنی با آنهاست تن در خواهند داد. فقط حق ملی قابل دفاع است که ماهیت انقلابی ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی داشته و در خدمت دوستی و برادری همه خلقهای منطقه باشد.

پاره ای کردهای ایرانی در زمان تهدیدات امپریالیسم و صهیونیسم برای حمله به ایران و حتی در زمان تجاوز صدام حسین به ایران حاضر نشدند به دفاع از مرزهای ایران بپردازند و این دسیسه امپریالیستی را محکوم کنند. پاره ای حتی خواهان تجاوز امپریالیسم آمریکا به ایران با الهام از نمونه عراق به بهانه "آزادی" کردهای ایران شدند. بعدها آنها در زمان تهدیدهای جدی امپریالیستها و صهیونیسم جهانی برای حمله به ایران، که در سال ۲۰۱۲ به اوج خود رسیده بود، به بهانه ارتجاعی و جنایتکار بودن رژیم جمهوری اسلامی، عملاً و متأسفانه با تبلیغات امپریالیستها هم آوا شدند و راه همکاری با آنها را در زیر نقاب سیاست "انقلابی" "سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی در جبهه های ضد جنگ و تجاوز به ایران" در پیش گرفتند و خواهان جبهه موهومی سوم گردیدند که هیچ چیز دیگری جز همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه نیست و نبود. اینکه این سیاست ارتجاعی و نادرست تا به چه حد از روی نادانی سیاسی و تحلیل نادرست صورت گرفت، برای حزب ما روشن نیست، ولی این عدم آگاهی، طبیعتاً تأثیری در نتیجه عملی آن سیاست که همدستی با امپریالیسم برای نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران است، ندارد. ما با این سیاست جنایتکارانه امپریالیستها در سوریه روبرو هستیم که منجر به آن شد تا اپوزیسیون سالم سوریه فوراً مسیر خویش را از داعشی ها و النصراها و ارتش "آزاد" سوریه و سایر تروریستها جدا ساخت. کسانی که خواهان سوریه ای شدن ایران باشند تا به "حقوق حقه" خود برسند، دشمنان مردم ایرانند و این امر ربطی به حقوق ملل ندارد. این سیاست مبارزه ای بر ضد حقوق ملتهاست. جای تأسف در این است که ۱۶ سازمان ایرانی اپوزیسیون اعلامیه مشترکی صادر کرده اند که در آن به درستی جنایات ارتش صدام را محکوم کرده از حقوق مردم کرد در ترکیه دفاع کرده اند، ولی در مورد همدستی جمع بزرگی از افراد عراقی و ایرانی با مسعود بارزانی، داعش، دولت ترکیه و اسرائیل سکوت کرده اند. با باج دادن نمی توان یک سیاست راهبردی مترقی در مسئله ملی را چه در ایران و چه در منطقه به پیش برد. کردها به صرف گرد بودن انقلابی نیستند. این درک، یک درک ارتجاعی و ناسیونال شوینیستی است. کردها مانند هر ملت دیگری در ایران و در منطقه ترکیبی از نیروها، افراد و نظریات ارتجاعی و انقلابی و مترقی اند. نیروهای انقلابی ایران اگر احساس مسئولیت کوچکی داشته باشند، باید از هم اکنون جایگاه دوستان و دشمنان انقلاب ایران را روشن کنند. کوتاه بینی سیاسی و باج دادن به امید کسب امتیازات واهی از مسعود بارزانی و یا پایگاه کردستان عراق، فقط به ضرر خلقهای منطقه است و منبعی برای توسعه بی اعتمادی.

حزب کار ایران (توفان) سرکوب خلق کرد را در تمام کشورهای که کردها ساکن آن هستند، محکوم می کند. حزب ما بر آن است که خلق کرد باید با سایر خلقها در ممالکی که ساکن آن است، مبارزه مشترک ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و دموکراتیکی را سازمان ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند.
صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

جنايات پان ترکيستهائى ..

داده و به پيش ببرد. مبارزه براى حقوق دموکراتيک فقط در متن اين مبارزه عمومى ضد امپرياليستى و ضد صهيونيستى مقدور است وگرنه اين مبارزه در دوران امپرياليسم که جهان به مناطق تحت نفوذ آنها تقسيم شده است، معنى ديگرى ندارد، جز اينکه متحد خودش را در اردوگاه ضد انقلاب جهانى جستجو کند. اين مبارزه نمى تواند بر ضد خلقهاى ساير ممالک و در همدستى با تعويض مرتب و نوبتى متحد ارتجاعى در منطقه باشد. حزب ما هرگز با چنين درکى از حقوق ملل که تا نيد اسارت و دامن زدن به نفرت مللى و همدستى با ارتجاع منطقه و جهانى است، موافق نخواهد بود و آنرا به نفع هيچکس از خلقهاى منطقه نمى داند. از اين گذشته حزب ما هوادار آن است که در اين روابط، روشنى وجود داشته باشد. از باج دادن و واهمه داشتن از بيان حقايق بايد پرهيز شود وگرنه اين ناروشنى و باج دهى و پرده پوشى ها و عدم افشاء گردهاى ضد انقلابى و همدست امپرياليسم، به نفع اپورتونيسم، ناسيونال شوينيسم و ارتجاع منطقه تمام مى شود و جنبش مللى گُرد را به انزوای کامل مى کشاند که کمکى به مبارزه مشترک دموکراتيک و ضد امپرياليستى در ايران و منطقه نخواهد کرد.

بيانيه تحليلى حزب ...

را در چنگال سرمايه هاى نئولبيرالى قرار داده و قوانين آن را به بازار ايران تحميل کنند. هم اکنون فروش بنادر و جزاير يونان آغاز شده است که بهاى فروش ارزانقيمتش را به عنوان باز پرداخت قروض به جيب بانکهاى آلمانى و فرانسوى مى ريزند. حذف يارانه ها، حذف خدمات عمومى دولتى و ممانعت از شرکت دولت در توليد و اداره کشور و توجه به حداقل رفاه عمومى همه و همه در دستور کار است. اتحاد مشترک رفسنجانى-احمدى نژاد آنرا مقدور کرده است. حق اعتصاب و افزايش دستمزد ناپديده گرفته مى شود. دولت ايران بايد سرکوب کارگران را براى حفظ سود حداکثر سرمايه داران خارجى تضمين کند. موربانه سرمايه گذارى هاى خارجى تمام شالوده اقتصادى ايران را بر هم خواهد ريخت. موج خصوصى سازى ها شروع مى شود و اموال عمومى به حراج گذارده مى گردد، نفت، معادن مس و مواد اوليه، گاز، آب، جاده سازى، نيروگاه اتمى، سواحل درياها همه و همه به اموال خصوصى بدل مى شوند و به حلقوم ايرانى هاى همدست امپرياليسم و شرکتهاى امپرياليستى ريخته مى گردند. قوانين سازمان تجارت جهانى، صندوق بين المللى

پول و بانک جهانى را به کشور ثروتمند ايران با ميليارها دلار پول نقد که آماده رونق اقتصادى و خريدهاى مهم تسليحاتى، تاسيسات صنعتى، شيميايى، وسايل ترايرى و هواپيماهاى مسافربرى و باربرى و... است تحميل مى کنند. بازاری براى غارت به پنهائى ايران گشوده شده است و دولتهاى قبلى از رفسنجانى گرفته تا احمدى نژاد و روحانى سياست تعديل اقتصادى و رياضت عمومى را اجراء کرده و همه شرايط را براى بهره كشى بهتر فراهم کرده اند .

ايران در آستانه يك تحول سريع قرار مى گيرد و امپرياليستها از طريق بندهاى اقتصادى و سياستهاى نواستعمارى به خواستهاى خود خواهند رسيد. توليدات ضعيف و نابسامان داخلى به ناپودى کشانده مى شوند. ايجاد محيط لازم براى نيروى کار ارزان، زمينه رقابت امپرياليستى را در تقسيم کار و تامين حداکثر سود در سطح جهانى فراهم مى آورد. ترکيب کنونى هيات حاکمه در هم مى ريزد، بخشى از سرمايه داران داخلى به دامان امپرياليسم سقوط خواهند کرد و بخشى با ناپودى توليد داخلى و عدم توانائى رقابت با سرمايه هاى کلان خارجى به ورشکستگى کشانده مى شوند. در اين شرايط دولت بر مسند قدرت بايد به سرکوب کارگران و زحمتکشان بيردازد تا آنها را مهار کند تا شرايط بهتر استثمار براى سرمايه گذارى خارجى فراهم گردد. آرايش طبقاتى در ايران دچار تحول جديد مى گردد. تحولات آتى ايران در مسيرى است که هم جنبش ضد امپرياليستى را تقويت مى کند و هم جنبش کارگرى را و در دوران کنونى تنها حزب طبقه کارگر به منزله نماينده طبقه کارگر رسالت رهبرى و رهائى طبقه کارگر و دفاع از استقلال، تماميت ارضى ايران و استقرار سوسياليسم را دارد.

تابعيت دوگانه و ..

عملى ديگرى کرد که اصل "ناشايستگى مللى" را در فرانسه که در زمان جنگ جهانى دوم در مورد همدستان هيتلر جارى مى شد، دوباره برقرار کنيم و محکومان را مانند سابق از تمام حقوق مدنى در فرانسه محروم نماييم. از اين گذشته تصويب اين لايحه ي دولت به سه پنجم آراء مجلس نمايندگان نياز دارد که کسب آن به راحتى ممکن نيست.

اين پيشنهاده دولت فرانسه در آلمان هم مطرح شد و آقاى بوسباخ مسئول کميسيون مجلس در امور داخلى آلمان از حزب

دموکرات مسيحي طراح آن بود که مجبور شدند به علت سوء سابقه دولت آلمان آنرا مسکوت بگذارند. در کنار فرانسه و آلمان مجلس سناى استراليا قانونى را تصويب کرد که براساس آن تابعيت دوگانه شهروندان اين کشور که مظنون به حضور در فعاليتهاى تروريستى باشند، لغو مى شود.

سناى استراليا روز پنج شنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۴ با تصويب اين قانون به دولت اجازه داد تا تابعيت مظنونان تروريستى را که از مليت استراليايى و يك تابعيت ديگر برخوردار هستند، حتى بدون دليل محکم، لغو کند.

جورج برانديس دادستان کل استراليا در جلسه راي گيرى درباره اين قانون گفت: "اين قانون به ساختار ضد تروريسم استراليا قدرت مى بخشد."

وى با اشاره به اينکه اين طرح احتمالاً مى تواند در ديوان عالى نيز راي بياورد، گفت: "اين طرح آن قدر قوى است که مى توان آن را به يك قانون تبديل کرد". البته اين شتاب در پس گرفتن تابعيت دوگانه تروريستها از زمانى مسئله روز شد که تروريستهاى داعش ممالک مادر و تروريستهاى دولتى امپرياليستى را مورد حمله قرار دادند. قبل از آن يا مورد مهر و محبت اين ممالک بودند و يا اينکه با آنها برخوردهاى قاطع که مانع فعاليتهاى تروريستى آنها در سوريه و عراق شود، نمى شد. بر اساس اسناد خود دولت استراليا بيش از ۱۲۰ تبعه استراليايى تاکنون به صورت گروه هاى تروريستى، به داعش در عراق و سوريه ملحق شده اند و براساس تحقيق دولت استراليا بيش از نيمى از اين افراد تابعيتى دوگانه دارند. و به گفته دولت استراليا، همچنين بيش از ۱۵۰ نفر از اتباع اين کشور از تروريست هاى تکفيرى حمايت مالى مى کنند. اين اسناد غير قابل انکار مسيبي نبوده اند تا قانون استراليا را تا اين تاريخ تغيير دهند. تروريستها، خوب و بد دارند و تابعيتها نيز بر اساس كيفيت "اصالتشان" تقسيم مى شوند.

بحث مربوط به پس گرفتن تابعيت دوگانه در فرانسه به علت سه ميليون انسانى که تابعيت دوگانه داشته و مسلمانان کار ساده اى نيست به همين جهت پس از بحثهاى درونى آقاى اولاند ابراز داشت که پاتريک ويل، جامعه شناسى که چند روز پيش با وى گفتگو کرده است نيز بر اين باور است که اين تصميم "اصل برابرى را از ميان مى برد". آقاى اولاند فراموش کرده است که در مورد شکايت... ادامه در صفحه ۷

تابعیت دوگانه و...

مراکشی تبعه فرانسه شورای قانون اساسی فرانسه این استدلال کنونی آقای اولاند را رد کرده و پس گرفتن تابعیت فرانسوی را قانونی و مناسب دانسته و ناقض اصل تساوی حقوق میان فرانسوی ها ندانسته است.

در تمام این بحث ها چه در فرانسه و چه در آلمان و چه در استرالیا و حتی آمریکا که از افراد دارای تابعیت دوگانه در صورت سفر به کشور مینا، باید تقاضای روادید به آمریکا را بکنند، ما با درک و یا روشی نژادپرستانه در برخورد به اتباع یک کشور روبرو هستیم. در مورد مصوبه کنگره آمریکا چنین آمده است: "خلاصه طرح موسوم به اچ آر ۱۵۸ مصوب مجلس نمایندگان آمریکا که برای قانونی شدن باید به تصویب سنا و امضای رئیس جمهوری آمریکا نیز برسد، این است که ازین پس علاوه بر ایرانیانی که برای سفر به آمریکا باید روادید بگیرند، تمامی ایرانیانی که دارای تابعیت دوگانه ۳۸ کشوری هستند که این کشورها با آمریکا قرارداد "لغو متقابل روادید (Waiving Program)" دارند، نیز ناگزیرند برای ورود به آمریکا، تقاضای روادید کنند؛ مشروط بر اینکه در پنج سال اخیر به ایران، سوریه، عراق و یا سودان سفر کرده باشند. این طرح همچنین اتباع عراق، سوریه و سودان را نیز شامل شده است که دولت‌هایشان، از دید

وزارت خارجه آمریکا، حامی تروریسم نامیده شده اند." صرف نظر از اینکه سرانجام، این کشورهای امپریالیستی چه نوع خاصی از این تبعیضهای نژادپرستانه را ابداع می کنند، روشن است که در قاموس و تفکر این دولتمردان و اندیشمندان آنها، اصل تابعیت هنوز به مفهوم امنیت فردی و یک ارزش غیر قابل تغییر محسوب نمی شود و تابع مصالح سیاسی عمومی این کشورهاست. با درک آنها یک آمریکائی و استرالیائی زمانی آمریکائی و استرالیائی است که اساسا از "اصالت" انگلوساکسونی برخوردار باشد و یا آن تابعیتی در آلمان خدشه ناپذیر بوده و موجب امنیت فردی افراد است که از نژاد ژرمن نشأت گرفته باشد. آنچه را که امپریالیستها با یاری اندیشمندان خویش به نام "قانونها و حقوق مدنی" به شما می فروشند ارزش خوردن یک آب هویج را هم ندارد. از امروز به فردا می توانند با توافق بین خودشان، همه ارزشهای ادعائی و حقوق های به رسمیت شناخته شده را با یک اتهام تروریستی ملغی کنند، بویژه اینکه هر انقلابی ضد امپریالیست و ضد صهیونیست برای آنها تروریست خطرناکی است. از این ببعد شمشیر داموکلس پس گرفتن تابعیت، برای متزلزل کردن زندگی انسانها، برای استقرار آنها در برزخ زندگی و سرزمین نااطمینانی و ترس از آینده و سربزیری،

بر بالای سر هر پناهنده، هر مسلمان و یا هر انسان مبارزی در حرکت است. اصل تابعیت دوگانه، دیگر یک دستاورد مترقی اجتماعی نیست، چماق ارباب است و به تابعیت خوب اصیل و تابعیت بد بدلی تبدیل می شود. ما ایرانی ها در ممالک امپریالیستی دارای تابعیت موقت بدلی هستیم و باید مواظب باشیم که دست از پا خطا نکنیم. روشن است که این برخورد تبعیض آمیز و دوگانه و نژادپرستانه در آینده نزدیک می تواند شامل همه حقوق دموکراتیک و حق حیات شما نیز بشود. هنوز بحران نامتناهی در راه است. هرگز به ادعاهای امپریالیستها نباید اعتماد کرد. ماهیت همه این حقوقها و وعده ها طبقاتی است.

دفاع از حق حاکمیت کشورها در دوران امپریالیسم مبارزه ای ضد استعماری و ضد امپریالیستی است و ربطی به ماهیت حاکمیتها ندارد. تجاوز به کشورها و نقض حاکمیت آنها یک اقدام استعماری است.

سیاسگزاری از کمکهای مالی

کمک ۱۰۰ یورو برای خانواده زندانیان سیاسی.
 ۵۰ یورو از آلمان
 ۵۰ یورو فرانسه
 ۲۵ یورو بلژیک
 ۳۰ یورو کانادا

(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۴ منتشر شد)**آنها در تارنمای توفان مطالعه نمایند)**

کدام پیروزی، کدام جشن و شادمانی؟ - خامنه ای و دعوت از مخالفین نظام به شرکت درمضحکه انتخابات. نقش بانک ها در ایران و تبعات آن در زندگی و معیشت مردم بازخوانی سال ۲۰۱۵...

سندی درافشای امپریالیستها:

جعلیات امپریالیستی و ترترسکیستی درمورد سوریه را باور نکنیم -

کارزار بین المللی درافشای تروریسم دولتی غرب - انعکاس بین المللی نظرات حزب کار ایران (توفان) درمورد سوریه- بیانیه مشترک صد ها تن از اساتید دانشگاهها علیه جنایت دولت اردوغان - اطلاعیه: تراب حق شناس مبارز انقلابی و یار و یاور خلق فلسطین درگذشت - به مناسب درگذشت دوکمونیسست رزمنده سوئدی: **رفقا اندرش پرشون و هوگو تورش تنسون** - پیام به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگران فرانسه - درحاشیه مرگ یک زن فاسد درباری

توفان الکترونیک شماره ۱۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۴ فوریه ۲۰۱۶

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbakar>

توفان در توئیتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

تابعیت دوگانه و دوگانگی ارزش و اصالتش

در عملیات تروریستی که روز ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس صورت گرفت، بیش از ۱۳۰ تن کشته شدند. این اقدامات تروریستی داعش که پرورده دست خود امپریالیستها و از جمله امپریالیسم فرانسه بودند، خود مجددا وسیله ای شدند تا با تحریک احساسات عمومی قوانین ارتجاعی و ضد دموکراتیکی را برای مقابله با مبارزه آتی طبقه کارگر در فرانسه تشدید کنند و به سرعت به تصویب مجلس ملی برسانند. پس از این وحشت ناشی از تروریسم، فرانسوا اولاند، رئیس جمهور فرانسه با استناد به قوانین موجود، برای چند روز وضعیت اضطراری در کشور اعلام کرد و این حکومت نظامی را بعدا به بهانه عدم رفع خطر، تمدید نمود و اعلام کرد که قصد دارد اصل برقراری حکومت نظامی را که صرفا جنبه اضطراری دارد به صورت دائمی وارد قانون اساسی فرانسه بنماید و هر وقت خواست با استناد به قانون اساسی آن را مستقر نماید. به این ترتیب کودتا در فرانسه قانونا قانونی است. در کنار این اقدام ضد دموکراتیک که ملهم از آینده تاریخ برای بورژوازی فرانسه است، و تحت تاثیر بحران اقتصادی و عدم مهار آن صورت می گیرد، سخن از این می رود که امکان پس گرفتن تابعیت فرانسوی از افراتیون محکوم شده نیز یکی دیگر از مفاد لایحه دولت فرانسه باید باشد. در یک همه پرسی از ملت فرانسه که کشوری مهد انقلاب کبیر فرانسه و اعلامیه حقوق بشر و مبتکر جدائی دین از حکومت است، ۸۶ درصد فرانسوی ها در اثر این تبلیغات با این سلب تابعیت تروریستهای فرانسوهای غیر اصیل، موافق اند. به این پدیده و همه پرسی دموکراتیک باید آن ایرانی هائی پاسخ دهند که مدعی بودند دموکراسی در این کشورها نهاده شده است و فرانسوی ها ذاتا دموکرات به دنیا آمده و در اثر خواندن تعاریف آزادانه دموکراسی و متون مربوطه، دموکراسی به ژنهای طبیعی آنها افزوده شده است. در سال ۲۰۰۳ یک متولد مراکش را که تابعیت فرانسوی را پذیرفته بود از حق برخورداری تابعیت فرانسه محروم کردند که منجر به شکایت وی به شورای قانون اساسی فرانسه شد، استدلالش این بود که اصل تساوی حقوق میان متولدان فرانسوی و کسانی که تابعیت فرانسه را پذیرفته اند نقض شده است. شورای قانون اساسی فرانسه این استدلال را رد کرد و پس گرفتن تابعیت فرانسوی را قانونی و مناسب دانسته و ناقض اصل تساوی حقوق میان فرانسوی ها ندانست.

تا به امروز پس گرفتن تابعیت فرانسوی فقط شامل کسانی می شد که دارای تابعیت دوگانه بوده و در فرانسه متولد نشده و در طی زندگی خود در فرانسه آنرا کسب کرده بودند. بر اساس پیشنهاد قانون جدید می توان تابعیت فرزندان خارجیانی که در فرانسه دنیا آمده اند را نیز پس گرفت و به این ترتیب اصل محل تولد با اصل نسبت خونی جایگزین می شود. با این استدلال فرانسوی کسی است که خونس فرانسوی و یا بخشا فرانسوی باشد!!!؟؟؟

بر اساس پیشنهاد دولت آقای اولاند این پس گرفتن تابعیت فرانسوی شامل کسانی می شود که دارای تابعیت دوگانه اند. روشن است که افرادی را که دارای یک تابعیت هستند نمی شود اساسا فاقد تابعیت کرد، زیرا از نظر سیاست عملی فرد بی تابعیت را نمی شود به کشور دیگری پس فرستاد. این فرد در هر صورت مقیم فرانسه باقی خواهد ماند.

آقای نیکلاس رکوزی رئیس جمهور سابق فرانسه پیشنهاد ... ادامه در صفحه ۶



مستخرجی از:

بیانیه تحلیلی حزب کار ایران (توفان) پیرامون توافقنامه هسته ای در وین (۷)

از هم اکنون سرمایه داران و شرکتهای بزرگ خارجی برای ورود به بازارهای ایران صف کشیده اند، هر روز دسته ای از آنها برای بستن قراردادهای اقتصادی به ایران سرازیر می شوند. همین سرعت کار نشان می دهد که تمام طرحهای مربوطه به تجارت با ایران و سرمایه گذاری در عرصه های گوناگون در کمیسیونهای مربوطه از قبل تهیه شده بوده است و تاریخهای سفر نیز از قبل تخمین زده می شده است. خود این واقعیات عامل فشار مهمی بوده تا توافقنامه وین به این گونه و با فشار سیاسی و اقتصادی اروپا و روسیه و چین در مقابل آمریکا به تصویب برسد. ورود سرمایه های خارجی به ایران با توافقنامه های جدید همراه است. آنها می آیند تا با تحمیل قراردادهای اسارت آور نئولیبرالی نظیر آنچه در یونان، پرتغال، اسپانیا و... کردند، بازارهای ایران... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany